روزنامه صبح
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی
توسعه ایرانی

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا
مدیرمسئول: مسعود حیدری
زیرنظر شورای سردبیری
مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲
تلفن تحریریه: ۶۶۹۵۶۶۰۰(۰۲۱)
نشانی سایت: toseeirani.ir
اینستاگرام: @tosee_irani
ایمیل: toseirani@gmail.com

آنلاین
toseeirani.ir
شماره ۲۳۰۳ / دوشنبه ۲۷ مهر ۱۴۰۵ / ۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ / ۱۹ اکتبر ۲۰۲۶

ورزش بانوان

وقتی با «تهدیدنامه» فوتبال زنان را به زور سرکوب می‌کنند!

کمدی سیاه «ورود آقایان ممنوع»

نگار رشیدی

روزهای پاییزی فوتبال ایران در سال ۱۴۰۵، قرار بود با یک اتفاق بی‌نظیر و تاریخی گره بخورد. لیگ برتر فوتبال زنان ایران که حالا به ایستگاه نوزدهم خود رسیده است، امسال با یک تفاوت بزرگ و هیجان‌انگیز کارش را آغاز کرد. پس از سال‌ها انتظار، سرانجام طلسم شکسته شد و دو قطب بزرگ و پرهوادار پایتخت، یعنی استقلال و پرسپولیس، در کنار نام‌های بزرگ و ریشه‌داری چون خاتون بم، گل گهر سیرجان، سپاهان اصفهان و ملوان بندرانزلی وارد عرصه تیم‌داری در بخش زنان شدند. این حضور باشکوه، موجی از امید و انگیزه را به رگ‌های فوتبال زنان تزریق کرد. رسانه‌های نوشتاری و تصویری که تا پیش از این بهانه‌های مختلفی برای نادیده گرفتن این مسابقات داشتند، حالا با تمام قوا پای کار آمده بودند و پوشش همه‌جانبه‌ای از رقابت‌های فصل جدید ارائه می‌دادند. به نظر می‌رسید همه‌چیز در بهترین حالت خود قرار دارد؛ تیم‌ها دوشادوش هم در بالای جدول می‌جنگیدند و کیفیت فنی مسابقات، تحسین کارشناسان را برانگیخته بود.

در تقویم مسابقات، یک تاریخ خاص با رنگ قرمز مشخص شده بود؛ جمعه، اول آبان‌ماه. روزی که قرار بود ورزشگاه شهید کاظمی تهران، میزبان یک رویداد بی‌سابقه باشد؛ اولین دربی تاریخ پایتخت در فوتبال باشگاهی زنان. تقابل پرسپولیس و استقلال، آن هم برای نخستین‌بار، رویایی بود که دختران فوتبالیست سال‌ها در سر می‌پروراندند. همه‌چیز برای برگزاری یک جشن بزرگ فوتبالی آماده به نظر می‌رسید. اما درست در فاصله پنج روز مانده به این مسابقه تاریخی، نامه‌ای از راه رسید که چون سطل آبی یخ، بر پیکره این شور و اشتیاق ریخته شد.

محمدرضا کشوری‌فرد، دبیر سازمان لیگ، در نامه‌ای جنجالی و غیرمنتظره خطاب به مدیران عامل تیم‌های لیگ برتری و روسای هیئت‌های فوتبال، یک دستورالعمل حیرت‌انگیز را ابلاغ کرد. در متن این نامه که بیشتر شبیه به یک تهدیدنامه علنی است، صراحتا قید شده: «حضور آقایان در ورزشگاه محل برگزاری مسابقات فوتبال زنان ممنوع بوده و مسئولیت کامل اجرای آن و جلوگیری از هرگونه تخلف در این خصوص بر عهده باشگاه میزبان می‌باشد. بدیهی است در صورت بروز تخلف... مسئولیت عواقب آن بر عهده باشگاه میزبان بوده و گزارش مربوطه به ارکان قضایی فدراسیون ارجاع خواهد شد.»

با خواندن این خطوط، آن سوال آشنا و کلافه‌کننده با تمام وزن خود در ذهن مخاطب زنگ می‌زند: «چرا آخه؟ چرا واقعا؟» درست در روزهایی که فوتبال زنان پس از سال‌ها انزوا، در حال پیدا کردن مسیر خود به سمت دیده شدن بود، چرا باید چنین تصمیم قهقرایی و عجیبی گرفته شود؟ این ممنوعیت، صرفا محدود به تماشاگران عادی روی سکوها نیست. عمق فاجعه زمانی مشخص می‌شود که بدانیم این محدودیت برای تمام چهره‌ها، اعم از مدیران عامل باشگاه‌ها، مربیان، عکاسان، خبرنگاران و اصحاب رسانه اعمال شده است! یعنی مدیرعاملی که بودجه تیم زنان خود را تامین کرده، حق ندارد بازی تیمش را از نزدیک ببیند. خبرنگاری که ماه‌هاست برای دیده شدن این دختران قلم زده، حق ورود به ورزشگاه را ندارد. آیا این چیزی جز یک خودزنی آشکار در عرصه مدیریت ورزش است؟ چرا واقعا؟

اما داستان به همین جا ختم نمی‌شود. نقطه اوج کمدی سیاه این ماجرا زمانی است که پای موعود بنیادی فر به میان می‌آید. ماجرا از



این قرار است که تنها یک روز قبل از رسانه‌ای شدن این بخشنامه، دانیال مرادی، رئیس دپارتمان داوری فدراسیون فوتبال، با افتخار اسامی تیم داوری دربی زنان را اعلام کرده بود. سور پرایز ویژه این فهرست، حضور موعود بنیادی‌فر، داور سرشناس بین‌المللی ایران، به عنوان داور «VAR» در این مسابقه حساس بود. حالا، در یک تناقض خنده‌دار و در عین حال گریه‌آور، سازمان لیگ رسما به دپارتمان داوری ابلاغ کرده است که آقای بنیادی فر هم حق حضور در ورزشگاه شهید کاظمی را ندارد! یعنی فدراسیون فوتبال، داوری را برای مهم‌ترین بازی فصل زنان تعیین کرده و سازمان لیگ همان فدراسیون، اجازه ورود او را به ورزشگاه خودش نمی‌دهد. آیا در هیچ کجای دنیا می‌توان چنین سطحی از ناهماهنگی مدیریتی را پیدا کرد؟

پشت پرده این تصمیم حیرت‌انگیز چیست؟ پیگیری‌ها نشان می‌دهد که ریشه این ماجرا به مسابقات هفته اول لیگ برتر زنان و حضور تماشاگران مرد در ورزشگاه‌ها بازمی‌گردد. ظاهرا همان زمان مسئولان از این اتفاق شاکی شده و قصد سال این نامه را داشتند. با رایزنی و وساطت مدیران برخی تیم‌ها، این نامه موقتا مسکوت ماند تا آب‌ها از آسیاب بیفتد. اما حالا، پس از گذشت حدود ۲۰ روز و در آستانه حساس‌ترین بازی فصل، گویا فشارهای نهادهای غیرفوتبالی کار خودش را کرده است. مقامات تصمیم‌گیر، در تصمیمی که مشخصا روی پوشش رسانه‌ای بازی‌ها اثر منفی خواهد گذاشت، نامه‌ای را ابلاغ کرده‌اند که یک عقب‌گرد ناباورانه برای کل مجموعه فوتبال ایران محسوب می‌شود.

چرا در سالی که برندهای معتبری چون استقلال و پرسپولیس پای کار آمده‌اند و می‌توانستند اسپانسرها و نگاه‌های جدیدی را به سمت فوتبال زنان جذب کنند، باید چنین مانع تراشی‌های بی‌دلیلی صورت بگیرد؟ پوشش رسانه‌ای، شاهرگ حیاتی برای بقا و پیشرفت هر ورزشی است. وقتی عکاسان و خبرنگاران مرد از ورود به ورزشگاه منع شوند، بازی‌ها در یک بایکوت خبری نانوشته فرو می‌روند. این یعنی بازگشت به دوران تاریک بی‌خبری و خشکاندن ریشه نوپای این پیشرفت.

اکنون موجی از شوک و ناباوری در میان مدیران باشگاه‌های لیگ برتری ایجاد شده است. آنها که با هزاران امید قدم در این مسیر گذاشته بودند، حالا با دیواری بتنی مواجه شده‌اند و قصد دارند به صورت علنی علیه این مسئله موضع‌گیری کنند. در فاصله کوتاه باقی‌مانده تا سوت آغاز دربی تاریخی زنان، چشم تمام اهالی ورزش به فدراسیون دوخته شده است. آیا صدای اعتراض‌ها شنیده خواهد شد؟ آیا کسی پیدا می‌شود که به این سوال ساده اما عمیق پاسخ دهد که «چرا واقعا؟» یا اینکه باز هم تصمیمات دور از انتظار، مقدمات یک عقب‌گرد تلخ دیگر را رقم خواهد زد؟ تاریخ، قضاوت سختی درباره این روزها خواهد داشت.

از لشکرکشی سرخ‌ها به دیار مس تا خون‌خواهی ۸۷۳ روزه در قلعه‌حسن‌خان

جنون دوشنبه

آریا طاری



غروب دوشنبه، موعدی است که جغرافیای فوتبال ایران به دو نیم کره متضاد اما هم‌سرنوشت تقسیم می‌شود؛ در یک سوی نقشه، بوی خاک آفتاب‌خورده کویر و غرش ناشناخته‌های تیمی سر برآورده از دل معادن در انتظار مدافع عنوان قهرمانی است و در سوی دیگر، در هیاهوی دودگرفته حاشیه پایتخت، کینه‌های خاک‌خورده، انتقام‌های شخصی و طلسمی به درازای ۸۷۳ روز دهان باز کرده‌اند. هفته نهم لیگ بیست‌وششم در حالی به ایستگاه پایانی خود می‌رسد که دو غول پایتخت در فاصله‌ای هزار کیلومتری از یکدیگر، جنگی از راه دور را برای فتح تاج‌وتخت لیگ آغاز می‌کنند. پرسپولیس در پی تثبیت صدرنشینی شکننده خود پا به شهر بابک می‌گذارد و استقلال، شکست‌ناپذیر اما زخم‌خورده از توقف‌های پیاپی، در دژ قلعه‌حسن‌خان روبه‌روی کاپیتان پیشین خود صف‌آرایی می‌کند. این تنها یک عصر فوتبالی معمولی نیست؛ روایتی از تقاطع تاریخ، صنعت، انتقام و جنون است.

همه چیز از تساوی پرماجرای هفته گذشته در خرم‌آباد آغاز شد؛ جایی که سرخ‌پوشان در دیدار معوقه برابر خیبر، با چنگ و دندان یک امتیاز سرنوشت‌ساز را دشت کردند تا به لطف تفاضل گل بهتر نسبت به تراکتور، پرچم سرخ را بر بام جدول لیگ بیست‌وششم به اهتزاز درآورند. کارنامه پنج پیروزی، دو تساوی و تنها یک شکست در هشت نبرد نخست، شاگردان تارتار را در موقعیتی قرار داده که کوچک‌ترین لغزش، بهای سنگین سقوط از اریکه قدرت را به همراه خواهد داشت.

ساعت ۱۵:۳۰ دوشنبه، پرسپولیس در ورزشگاهی ناشناخته و پس از کش‌وقوس‌های فرسایشی فراوان، سرانجام در خاک شهر بابک به میدان می‌رود. حریف، مس شهر بابک است؛ تیمی تازه‌نفس و جسور که به جمع بزرگان فوتبال ایران ملحق شده و حالا در نخستین آزمون تاریخی خود، باید روبه‌روی صدرنشین صف‌آرایی کند. برای پرسپولیس، بازی در شهر بابک حکم راه رفتن روی لبه تیغ را دارد؛ تیمی که چیزی برای از دست دادن ندارد و می‌خواهد نامش را با قربانی کردن صدرنشین در تاریخ جاودانه کند، برابر تیمی که برای بقا در جایگاه نخست به چیزی کمتر از سه امتیاز ناب کویری رضایت نخواهد داد.

نبرد با مس شهر بابک برای هواداران پرسپولیس صرفا مواجهه با یک رقیب تازه‌وارد نیست؛ این مسابقه، ورق زدن فصلی جدید از یک کتاب قطور و ۳۴ جلدی برابر غول‌های صنعت مس ایران است. مس شهر بابک ششمین نماینده از تبار صنایع مس به شمار می‌رود که رودرروی پرسپولیس قرار می‌گیرد؛ سلسله‌ای که پیش از این نام‌های مس کرمان، مس رفسنجان، مس سرچشمه، مس نوین و مس سونگون را بر پیشانی خود دیده بود.

تاریخ گواهی می‌دهد که پیراهن سرخ همواره برای تیم‌های برآمده از این هولدینگ صنعتی، یادآور نبردهایی دشوار، فرسایشی و البته خاطره‌انگیز بوده است. در ۳۴ رویارویی پیشین پرسپولیس با خانواده مس، ۱۹ پیروزی سهم ارتش سرخ بوده، ۱۰ مسابقه به تساوی کشیده شده و کویری‌ها تنها پنج بار توانسته‌اند پرسپولیس را به زانو درآورند. حالا در سی‌وپنجمین پرده از این دوئل بی‌پایان، شاگردان سرخ‌پوش خیز برداشته‌اند تا در نخستین مصاف با این شاخه تازه روییده، جشن پیروزی شماره ۲۰ خود را در قلب کرمان برپا کنند.

مرور مواجهه‌های پرسپولیس با پنج مس قبلی، شبیه به تماشای فیلمی کلاسیک از فراز و فرودهای تاریخی لیگ است. در راس این خاطرات، ۱۸ دوئل تاریخی با مس کرمان خودنمایی می‌کند؛ نبردهایی که با هفت برد سرخ‌ها و چهار پیروزی نارنجی‌پوشان همراه بود، اما یک مسابقه تا ابد در تالار افتخارات پرسپولیسی‌ها می‌درخشد؛ پیروزی تاریخی ۶ بر صفر در لیگ سیزدهم. شبی که پرسپولیس مقتدر علی دایی، مس تحت هدایت پرویز مظلومی را در کرمان به خاک و خون کشید و سرود خاطره‌انگیز ۶ تایی‌ها را باز آفرینی کرد. چهار پیروزی پیاپی اخیر پرسپولیس برابر مس کرمان، از جمله برد سه بر یک در لیگ بیست‌ودوم، نشان داد که کرمان برای سرخ‌ها همواره تداعی‌کننده فتح و اقتدار بوده است.

در شاخه رفسنجان، آمار حتی خیره‌کننده‌تر و یک‌طرفه‌تر است. ۱۲ تقابل (۱۱ بار در لیگ و یک بار در جام حذفی) تنها یک شکست را برای پرسپولیس رقم زده و ۹ پیروزی مقتدرانه بر تارک این دوئل می‌درخشد؛ از جمله برد قاطعانه سه بر صفر در دور برگشت لیگ بیست‌وچهارم و آخرین رویارویی فصل گذشته در رفسنجان که پیش از سقوط تلخ و انصراف مس در پلی‌آف، با تک گل سه امتیازی سرخ‌ها به پایان رسید.

اما مصاف با مس، همیشه هم جاده‌ای هموار نبوده است. هواداران قدیمی هرگز تقابل با مس سرچشمه در لیگ یازدهم را از یاد نمی‌برند؛ مسابقه‌ای که با سوت داور و ضربه ناگهانی نناد برنوویچ در همان ثانیه‌های آغازین، شوکی تاریخی به پرسپولیس وارد کرد و در نهایت به تساوی پرماجرای دو-دو انجامید. هرچند سرخ‌ها در دور برگشت با برتری دو بر یک اعاده حیثیت کردند. در جام حذفی نیز مس نوین کرمان و مس سونگون ورزقان، هر دو با شکست‌های سه بر صفر تسلیم نام بزرگ پرسپولیس شدند؛ تیم‌هایی که امروز دیگر اثری از آنها در این سطح نیست و سرچشمه و سونگون امتیازات خود را به دیگران واگذار کردند. حالا نوبت مس شهر بابک است؛ آیا آنها راه کرمان و رفسنجان را می‌روند یا سرنوشت متفاوتی برابر لشکر صدرنشین رقم خواهند زد؟

برای پرسپولیس، بازی در شهر بابک حکم راه رفتن روی لبه تیغ را دارد؛ تیمی که چیزی برای از دست دادن ندارد و می‌خواهد نامش را با قربانی کردن صدرنشین در تاریخ جاودانه کند، برابر تیمی که برای بقا در جایگاه نخست به چیزی کمتر از سه امتیاز ناب کویری رضایت نخواهد داد

ساعت ۱۷:۴۵ دوشنبه، نگاه‌ها از کویر کنده می‌شود و به چمن ورزشگاه شهدای شهر قدس خیره می‌ماند. استقلال، خسته از پروازهای متوالی، نبردهای آسیایی و ماموریت‌های فشرده، در تنها بازی خانگی خود میان دو فیفادی، میزبان گل گهر سیرجان است؛ تیمی که به واسطه حضور در لیگ قهرمانان آسیا ۲ حتی از آبی‌های تهران هم خسته‌تر است. این نبرد، پیش از آنکه آوردگاه ۲۲ بازیکن در مستطیل سبز باشد، یک درام تمام‌عیار روان‌شناختی است.

پیش از دمیده شدن در سوت آغاز بازی، کانون توجهات به یک نقطه خیره خواهد شد؛ نیمکت مهمان. مسئولان باشگاه استقلال برنامه‌ای ویژه برای تقدیر از کاپیتان سابق خود تدارک دیده‌اند. مهدی رحمتی، سنگربانی که سال‌ها ستون فقرات آبی‌ها بود، رکوردهای دست‌نیافتنی ثبت کرد و بازوبند کاپیتانی این تیم را بر بازو بست، قرار است با دسته گل و تندیس یادبود مورد تجلیل قرار گیرد. اما پشت این لبخندها و قاب‌های مشترک، کینه‌ای زنده و آتشفشانی از انگیزه‌های تلافی‌جویانه نفس می‌کشد. رحمتی که تابستان امسال یکی از جدی‌ترین گزینه‌ها برای نشستن روی نیمکت استقلال بود، در نهایت شاهد ابقای سهراب بختیاری‌زاده شد تا با دلی پر از حسرت و انگیزه، راه کویر را پیش گیرد و سکان‌دار گل گهر شود. حالا او آمده است تا شایستگی‌هایش را به همان هوادارانی اثبات کند که روزگاری نامش را در استادیوم آزادی فریاد می‌زدند.

آتش نبرد روی نیمکت‌ها، جرقه‌ای امروزی ندارد؛ ریشه‌های این دشمنی دیرینه به غروب غم‌انگیز لیگ نوزدهم در مشهد بازمی‌گردد. در روزهایی که سهراب بختیاری‌زاده در نقش جانشین مجتبی سرآسیایی هدایت شهر خودرو را بر عهده گرفت، مهدی رحمتی دروازه‌بان شماره یک و بزرگ‌تر تیم بود. اختلاف نظر فنی خیلی زود به درگیری لفظی و سپس به انفجاری مدیریتی بدل شد. سهراب در هفته پایانی لیگ نوزدهم، کاپیتان نامدار خود را با تصمیمی شوکه‌کننده از تیم اخراج کرد؛ ضربه‌ای سهمگین که عملا نقطه پایانی بر دوران فوتبال حرفه‌ای مهدی رحمتی گذاشت. اما این پایان ماجرا نبود؛ در یک چرخش دراماتیک، رحمتی بلافاصله کفش‌ها را آویخت، ردای سرمربیگری به تن کرد و در اقدامی باورنکردنی، از آغاز فصل بعد جانشین خود سهراب بختیاری‌زاده در شهر خودرو شد! آن تسویه‌حساب تاریخی، دوئل این دو هم‌بازی سابق تیم ملی و استقلال را تا ابد شخصی کرد.

سهراب حتی در قامت سرمربی هم گربه سیاه رحمتی بوده است. از ۶ باختی که رحمتی در قامت مربی برابر استقلال متحمل شده، دو باخت مستقیما با امضای سهراب بختیاری‌زاده ثبت شده است. سهراب در نخستین دوره موقت حضورش روی نیمکت آبی‌ها، هوادار تحت هدایت رحمتی را دو بر یک از پیش رو برداشت. سپس در دوران گذار پساموسیمانه در جام حذفی ۰۴-۱۴۰۳، استقلال سهراب توانست شمس آذر رحمتی را حذف کند و انتقام شکست‌های پیشین را از او بگیرد. رحمتی روز دوشنبه روبه‌روی مردی می‌ایستد که هم دوران بازی‌اش را به نقطه پایان رساند و هم در مربیگری، بارها سد راه رویاهایش شده است.

گل گهر، هفتمین سنگری است که مهدی رحمتی از پشت آن به استقلال نگاه می‌کند. او پیش از این در ردای فرماندهی شهر خودرو، آلومینیوم اراک، نساجی مازندران، هوادار تهران، شمس آذر قزوین و خیبر خرم‌آباد روبه‌روی تیم محبوبش ایستاده است، اما کارنامه او در این ۱۰ رویارویی، تصویری از تسلیم و دست‌بستگی را باز گو می‌کند؛ ۶ شکست، سه تساوی و تنها یک پیروزی تک‌افتاده که با شمس آذر به‌دست آمد. خط آتش استقلال در این ۱۰ نبرد، ۱۴ بار دروازه تیم‌های رحمتی را به توپ بسته و در مقابل، شاگردان او تنها چهار بار توانسته‌اند قفل دروازه آبی‌ها را بگشایند. رحمتی می‌داند که شکست دادن استقلال، آن هم در تهران و برابر چشمان هزاران هوادار آبی، می‌تواند نه‌تنها مسیر گل گهر را در جدول دگرگون کند، بلکه اعتبار مربیگری او را پس از سال‌ها تقلا برابر غول‌های فوتبال ایران احیا سازد.

اما در سوی دیگر، استقلال خود گرفتار طلسمی غریب و فرسایشی است. در تاریخچه رویارویی‌های دو تیم، کفه ترازو به شکلی خیره‌کننده به سود استقلال سنگینی می‌کند؛ آبی‌پوشان در ۱۵ نبرد پیشین با گل گهر، ۱۰ پیروزی مقتدرانه کسب کرده‌اند، در حالی که سهم حریف سیرجانی تنها دو برد و سه تساوی بوده است. در ۱۰ تقابل اول، استقلال ۹ بار گل گهر را جارو کرد؛ روزهایی شیرین که با صعود به فینال جام حذفی، برد انضباطی سه بر صفر در مسیر قهرمانی بدون شکست لیگ بیست‌ویکم و کامبک‌های دراماتیک و لحظه‌آخری دور رفت و برگشت لیگ بیست‌ودوم در ذهن هواداران نقش بست. با این حال، عقربه‌های زمان از دو فصل پیش به بعد روی دور بدبیاری استقلال چرخیده‌اند. در پنج بازی اخیر دو تیم، استقلال تنها یک بار طعم برد را چشیده، یک بار باخته و سه مسابقه به تساوی کشیده شده است. از آخرین شبی که آبی‌ها توانستند گل گهر را به زانو درآورند (دیدار برگشت لیگ بیست‌وسوم که با شلیک تعیین‌کننده روزبه چشمی پیروز شدند) دقیقا ۸۷۳ روز می‌گذرد! نزدیک به دو سال و نیم حسرت و سه تقابل متوالی بدون پیروزی (دو تساوی یک-یک و صفر-صفر و در نهایت شکست تلخ یک بر صفر). طعنه‌آمیزتر آنکه آخرین رویارویی دو تیم هم دقیقا در همین ورزشگاه شهدای شهر قدس رقم خورد؛ شبی که گل گهر با تک گل پوریا شهرآبادی و هدایت مهدی تارتار موفق شد استقلال را به زانو درآورد. دست تقدیر کنایه‌آمیز است؛ شهرآبادی و تارتار، طراحان آن شکست دردناک، هر دو اکنون در اردوی رقیب سنتی یعنی پرسپولیس حضور دارند و استقلال حالا باید در همان چمن و برابر گل گهری که رحمتی را روی نیمکت دارد، برای شکستن قفل ۸۷۳ روزه بجنگد.

استقلال سهراب بختیاری‌زاده در این روزها درگیر یک پارادوکس بزرگ است. از یک طرف، آنها در لیگ نخبگان آسیا چون طوفان جلو می‌روند و با کسب دو پیروزی از دو مسابقه ابتدایی، قدرت‌نمایی خیره‌کننده‌ای در قاره داشته‌اند. از طرف دیگر، در لیگ داخلی موتور تیم تا حدی به حرکت افتاده است؛ یک برد در پنج مسابقه اخیر، آماری است که باعث شد پرسپولیس و تراکتور از آبی‌ها سبقت بگیرند و آنها را به رده سوم جدول بفرستند. با این وجود، یک فاکتور حیاتی وجود دارد که استقلال را امیدوار و ترسناک نگه می‌دارد؛ شاگردان سهراب در تمام رقابت‌های این فصل، چه در آسیا و چه در لیگ برتر، طعم تلخ شکست را نچشیده‌اند. فاصله استقلال تا صدر جدول تنها یک امتیاز است و با توجه به تفاضل گل‌ها، هر گونه لغزش پرسپولیس در شهر بابک به همراه فتح قلعه‌حسن‌خان توسط استقلال، می‌تواند تا پایان شب جدول را به سود آبی‌ها زیرورو کند.

شاگردان سهراب در تمام رقابت‌های این فصل، چه در آسیا و چه در لیگ برتر، طعم تلخ شکست را نچشیده‌اند. فاصله استقلال تا صدر جدول تنها یک امتیاز است و با توجه به تفاضل گل‌ها، هر گونه لغزش پرسپولیس در شهر بابک به همراه فتح قلعه‌حسن‌خان توسط استقلال، می‌تواند تا پایان شب جدول را به سود آبی‌ها زیرورو کند

شطرنج دوشنبه از ساعت ۱۵:۳۰ در زمین ناآشنای شهر بابک آغاز می‌شود و سوت پایانش حوالی ساعت ۲۰ در حاشیه ملارد و شهر قدس به صدا درمی‌آید. پرسپولیس در پی شکار بیستمین پیروزی خود مقابل تبار شرکت مس است تا جایگاه خود در قله لیگ بیست‌وششم را بیمه کند، در حالی که مس شهر بابک در اندیشه خلق نخستین شگفتی قرن خود برابر سرخ‌پوشان است.

چهره به چهره

معمای زانوی مصدوم و لیست سیاه

کاپیتان پرسپولیس در برزخ

نازنین دشتی

روزهای پاییزی فوتبال ایران با یک صدرنشینی شیرین و امیدبخش برای پرسپولیس گره خورده است. تیمی که پس از یک تساوی نفس‌گیر و تاکتیکی مقابل خیبر خرم‌آباد در دیدار معوقه هفته هفتم، توانست با تکیه بر تفاضل گل و امتیازات ارزشمندش، خود را به بالاترین نقطه جدول رده‌بندی لیگ برتر برساند. سرخ‌پوشان پایتخت حالا با روحیه‌ای مضاعف در اندیشه هفته نهم هستند؛ جایی که باید بار سفر ببندند و به مصاف مس شهر بابک بروند. تیمی تازه صعود کرده، شگفتی‌ساز و بالانگیزه که نشان داده در خانه می‌تواند یقه هر تیم بزرگی را بگیرد و روز سختی را برای مدعیان رقم بزند. پرسپولیس برای تداوم این پادشاهی و حفظ فاصله با رقبا، به چیزی جز سه امتیاز این نبرد خارج از خانه فکر نمی‌کند. اما در دل این آرامش ظاهری، یک جای خالی بزرگ بدجور توی ذوق می‌زند؛ غایبی سرشناس که نبودنش فراتر از یک آسیب‌دیدگی ساده ورزشی، به یک معمای پیچیده و چندلایه تبدیل شده است: محمدحسین کنعانی‌زادگان، کاپیتان این فصل سرخ‌پوشان. کنعانی‌زادگان، صخره خط دفاعی پرسپولیس و از ارکان اصلی و بی‌بدیل تیم ملی در سال‌های متمادی، این روزها دور از مستطیل سبز است. همه‌چیز از روزهای پیش از آغاز فیفادی مهرماه کلید خورد. درست در زمانی که بازیکنان خود را برای درخشش در لیگ و دلبری از سرمربی تیم ملی آماده می‌کردند، یک مصدومیت بدموقع ترمز کاپیتان را کشید. او از ترکیب اصلی پرسپولیس خارج شد و تداوم غیبتش در سومین بازی متوالی نشان می‌دهد ماجرا بسیار جدی‌تر از یک درد مقطعی است. اما داستان زمانی رنگ یک درام پرالتهاب فوتبالی به خود گرفت که فهرست تیم ملی منتشر شد و نام کنعانی‌زادگان، مدافع معتمد و ثابت عصر امیر قلعه‌نویی، در آن غایب بود.



وقتی نام او در میان دعوت‌شدگان نهایی دیده نشد، افکار عمومی و کارشناسان بلافاصله آن را به پای مصدومیت شدیدش نوشتند. با این حال، فدراسیون فوتبال در لیست اولیه خود نامی از او در میان بازیکنان مصدوم نبرده بود. در همین گیرودار پرالتهاب، کنعانی‌زادگان شخصا دست به کار شد و با انتشار تصویری از زانوی متورم و پانسمان شده‌اش در فضای مجازی، پیامی واضح به فوتبال ایران مخابره کرد: «من تنها به خاطر این زانوی آسیب‌دیده در تیم ملی نیستم.» تصویری که تصور می‌شد نقطه پایانی بر تمام شایعات باشد، اما در کمال ناباوری، تنها جرقه‌ای بود برای آغاز یک طوفان رسانه‌ای و اظهار نظرهای ضدونقیض.

آرامش پس از انتشار عکس زانو، خیلی زود با یک مصاحبه جنجالی در هم شکست. سعید الهویی، دستیار امیر قلعه‌نویی، روبه‌روی میکروفون‌ها قرار گرفت، آب پاکی را روی دست همه ریخت و قاطعانه اعلام کرد هیچ بازیکنی به دلیل مصدومیت از اردو جا نمانده است! او صراحتا گفت اگر بازیکنی در این فیفادی حضور ندارد، دلیل آن کاملا فنی است. این جمله مثل یک بمب ساعتی در رسانه‌ها ترکید. یعنی کاپیتان پرسپولیس به دلایل فنی خط خورده است؟ آیا عکس زانو، تنها سرپوشی برای افت کیفیت یا از دست دادن جایگاهش بوده است؟ این تناقض آشکار، فضای سنگینی از شک و گمانه‌زنی را پیرامون شماره ۶ پرسپولیس ایجاد کرد. اما این پایان سناریوی عجیب غیبت کنعانی نبود. فردای آن روز، فدراسیون فوتبال برای خواباندن سروصداها و شاید اصلاح صحبت‌های دستیار سرمربی، بیانیه‌ای رسمی صادر کرد و نام چند بازیکن را که صرفا به دلیل مصدومیت خط خورده بودند به رشته تحریر درآورد. رسانه‌ها لیست را زیر و رو کردند تا نام کنعانی‌زادگان را پیدا کنند، اما در کمال ناباوری، باز هم اثری از کاپیتان پرسپولیس نبود! فدراسیون سایر مصدومان را ردیف کرد، اما کنعانی را به شکلی معنادار نادیده گرفت. اینجا بود که معما تاریک‌تر شد و دیگر نمی‌شد همه‌چیز را به پای یک ناهماهنگی ساده در کادر فنی نوشت.

همه در انتظار بودند تا شخص اول نیمکت تیم ملی وارد میدان شود و این گره کور را باز کند. امیر قلعه‌نویی سرانجام سکوت را شکست و درباره عدم دعوت از کنعانی‌زادگان و علی علیپور گفت: «این دو بازیکن با تیم پزشکی در ارتباط بودند و مصدومیت داشتند.» این نیمه‌اول صحبت‌های قلعه‌نویی بود که ادعای مصدومیت کاپیتان پرسپولیس را رسما تایید می‌کرد و خط بطلانی بر اظهارات الهویی می‌کشید. هواداران پرسپولیس نفسی به راحتی کشیدند؛ اما ژنرال بلافاصله و بدون مکث، جمله دومی را به زبان آورد که تمام معادلات را دوباره بر هم زد. قلعه‌نویی در ادامه با لحنی قاطع و بی‌پرده گفت: «این‌طور نیست که هر بازیکنی در اردوهای قبلی بوده باشد، دوباره دعوت شود.» این دقیقا همان تعلیق کشنده‌ای است که اجازه نمی‌دهد پرونده این بازیکن بسته شود. این ابهام بزرگ نشان می‌دهد شاید حتی اگر کنعانی در اوج آمادگی بدنی هم بود، باز هم رنگ اردوی تیم ملی را نمی‌دید! آیا زانوی آسیب‌دیده، تنها یک فرصت طلایی برای کنار گذاشتن محترمانه او بوده است؟ کاپیتان پرسپولیس این روزها در برزخی از مصدومیت و بی‌اعتمادی مطلق گرفتار شده و باید هم با درد فیزیکی زانو بجنگد، هم با سایه سنگین این صحبت‌های دوپهلو.

حالا پرسپولیس بدون کاپیتان نامدار خود به سوی شهر بابک می‌رود تا صدرنشینی‌اش را حفظ کند و تیم ملی هم مسیر آمادگی تا جام ملت‌ها را طی می‌کند. داستان کنعانی‌زادگان همچنان معمایی لاینحل در دل فوتبال ایران است؛ قصه‌ای از یک زانوی متورم، سکوت‌های معنادار و جملات دوپهلوی سرمربی. برای کشف حقیقت پنهان در پس این اتفاقات، تنها باید صبر کرد تا زانوی کاپیتان بهبود یابد و او دوباره به همان مدافع مستحکم همیشگی تبدیل شود. آن زمان، لیست اردوی بعدی تیم ملی همه‌چیز را فاش خواهد کرد؛ آنجا بالاخره مشخص می‌شود که آیا مصدومیت یک بهانه موقت بود، یا ژنرال برای همیشه روی نام صخره خط دفاعی‌اش خط قرمز کشیده است.